

رویکرد سالوتوزنیک: نظریه ای راهنما در ارتقای سلامت

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۱۶

[نشر الکترونیک پیش از انتشار - ۱۷ آبان ۱۴۰۱]

نشریه پایش: ۵۳۰ - ۵۲۹: ۵(۲۱) ۱۴۰۱

سردبیر محترم

ضرورت تغییر از رویکرد بیماری محوری (نگاه منفی به سلامت) به رویکرد سلامت محور (نگاه مثبت به سلامت) (Salutogenic approach) و حرکت به سمت سلامت و رفاه در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی با کارهای آنتونوفسکی مطرح شد. آنتونوفسکی در مطالعات سلامت به جای واژه بیماری، کلمه سالوتوزنیز را به کار برد که از واژه سالوتو (salute) به معنای سلامتی و ژنیز (genesis) به مفهوم پیدایش تشکیل شده است. وی با سابقه ای که در جامعه شناسی پزشکی داشت در پی تغییر پارادایم سلامت، از پاتوژنزیس به پاتوژنزیس همراه با سالوتوزنیز بود. او معتقد بود که پاتوژنزیس بیش از حد بر تفکر ما چیره شده و در نتیجه حوزه ارتقای سلامت را زمین حاصلخیزی برای چنین تغییری می دانست [۱]. آنتونوفسکی مدعی بود که سلامت و بیماری نباید به عنوان مفاهیمی دوگانه، بلکه به عنوان یک پیوستار در نظر گرفته شوند. سالوتوزنیز به روشی متفاوت از جنبش روانشناسی مثبت گرا (Movement positive psychology)، پارادایم پاتوژنیک غالب (Dominant pathogenic paradigm) را به چالش می کشد. در نگاه او مردم و دست اندرکاران ارتقای سلامت به جای اینکه به یکی از دوگانه سلامت یا بیماری فکر کنند باید به پیوستاری از «سلامتی» تا «بیماری» بیندیشند. در چنین رویکردی، هیچ کس به عنوان سالم یا بیمار دسته بندی نمی شود و همه ما در جایی بین قطب های فرضی سلامت کامل و بیماری کامل قرار می گیریم [۲].

مدل سالوتوژنیک به عنوان یک چارچوب نظری به درک سلامت مثبت از طریق تمرکز بر رفاه به جای توجه بر عوامل بیماری زا کمک می کند. این چارچوب نه تنها دارای اثر قابل توجه و ماندگار در حوزه ارتقای سلامت است، ارائه دهنده الگویی مناسب جهت تحقیق در حوزه سلامت و رفاه جوامع نیز به حساب می آید. با این وجود، علیرغم آنکه اولین مطالعه سالوتوژنیزیس در اواخر دهه ۱۹۶۰ انجام شده و انتشارات مرتبط از سال های ۱۹۷۹ تا سال ۲۰۲۲ میلادی گسترش یافته است، لیکن سالوتوژنیزیس هنوز در مراحل اولیه بوده و یک ساختار در حال رشد محسوب می شود [۳]. در نتیجه این مدل تاکنون عمیقاً در علوم اجتماعی و پزشکی نفوذ نکرده و بسیاری از محققانی هم که به آن اشاره می کنند، از ایده اصلی آن دور هستند. اساساً مدل سالوتوژنیک از مدل استرس و کوپینگ نشأت گرفته است و سلیه (۱۹۵۶)، لازاروس و کوهن (۱۹۷۷) الهام بخش آنتونوفسکی بوده اند. مفروض مدل لازاروس و کوهن همانند مدل سالوتوژنیک، تعامل بین عوامل استرس زای بیرونی و منابع موجود جهت کوپینگ با استرس است. چنین مفروضی در اپیدمیولوژی اجتماعی نیز با در نظر گرفتن عوامل تعیین کننده اجتماعی سلامت فراتر از عوامل خطرزای بیماری، به چشم می خورد. بنابراین، سالوتوژنیزیس مفهومی جامع و ارائه دهنده یک چشم انداز جدید در مورد عوامل تعیین کننده سلامت، فرآیندهای توسعه دهنده و پیامدهای سلامت است و بسیاری از مفاهیمی همچون حمایت اجتماعی، حس انسجام، خودکارآمدی و سرسختی زیر چتر آن قرار می گیرند. همچنین این چتر مفاهیم مختلف سلامت مثبت چون کیفیت زندگی، شادابی و تندرستی را نیز پوشش می دهد. به دلیل همین جامعیت، سالوتوژنیزیس تحت عنوان فرآیندهایی که در آن افراد، جوامع و منابع برای ارتقای سلامت و رفاه فردی و جمعی در تعامل اند، تعریف شده است [۴].

بطور کلی سالوتوژنیزیس در پزشکی به مفهوم محدود کردن جهت گیری پاتوژنیک در سیاستگذاری و عملکرد مراقبت های سلامت است. بی شک اتخاذ چنین رویکردی خود محتاج ارائه شواهد برآمده از تحقیقات سالوتوژنیک است، چراکه کاربرد موفقیت آمیز سالوتوژنیزیس در مراقبتهای سلامت به چیزی بیش از معرفی آن محتاج است. بدین منظور پژوهشگران علاقمند می توانند با آشنایی بیشتر با مفاهیم، مفروضات و ابزارهای خاص این رویکرد، پیشتاز انجام تحقیقات میدانی و بالینی سالوتوژنیک بوده و راه را برای طراحی و پیاده سازی مداخلات سالوتونیک ارتقای مراقبت های سلامت هموار نمایند.

با تقدیم احترام

عبدالجواد خواجوی: گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران - abjkhajavi@yahoo.com

هایده هاشمی زاده (نویسنده مسئول): گروه پرستاری، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران - haydeh_h_z@yahoo.com

منابع

1. Jonas WB, Chez RA, Smith K, et al. Salutogenesis: the defining concept for a new healthcare system. *Global Advances in Health and Medicine* 2014; 3: 82-91
2. Röhrich C, Giordano J, Kohls NB. Narrative view of the role of health promotion and salutogenesis in the treatment of chronic disease: viability and value for the care of cardiovascular conditions. *Cardiovascular Diagnosis and Therapy* 2021;11:591
3. Mittelmark MB, Bauer GF, Vaandrager L, Pelikan JM, Sagy S, Eriksson M, et al. The handbook of salutogenesis. 1st Edition, Springer: Uk, 2022
4. Eriksson M, Lindström B. Validity of Antonovsky's sense of coherence scale: a systematic review. *Journal of Epidemiology & Community Health* 2005; 59: 460-466